



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

نظریه قرب الهی و دلالت‌های تربیتی آن

استاد راهنما:

دکتر محمد بهشتی

استاد مشاور:

دکتر علی شیروانی

نگارش:

فاطمه افراخته

تیر 1391

چکیده:

بررسی محتوایی منابع و مصادر اخلاقی اسلام به ضمیمه تأملات خاص در مبانی فلسفی آن اثبات می کند که آنچه به عنوان اخلاق اسلامی مطرح شده است را می توان در قالب یک نظریه منسجم با ویژگیهای خاص یک نظریه ارائه داد. هدف این پژوهش آن است که مبانی، غایات و قواعد کلی اخلاق را با استناد به منابع اولیه دین - آیات و روایات - استخراج کند و با روش تلفیق میان تحلیل - های عقلی و داده های نقلی به یک نظریه منسجم اخلاقی دست یابد. در راستای تحقق این آرمان، یافته های نهایی پژوهش حاضر این است که مطلوب و هدف نهایی انسان، کاملترین چیزی است که روح که حقیقت وجودی انسان است بدان گرایش داشته، می تواند در میان مراتب مختلف نفس، به آن توجه نموده، آن را انتخاب کند و به انگیزه وصول به آن، افعال متناسب با آن را انجام دهد. از آنجا که گرایش انسان به سمت کمالات بی نهایت است و وجود بی نهایت کامل، وجود خداوند می باشد، گرایش انسان به سمت خداوند می باشد. تقرب انسان به خداوند، حرکت تکاملی در طول مراتب هستی است برای رسیدن به مبدأ عالم که خداوند است. انسان با ویژگیهای خاص خود، عملاً توانایی دارد مراحل کمال را از ضعیفترین حد تا عالی ترین درجه آن بییماید. در سیر صعودی خود با مراتب هستی متحد شده و عین آن مراتب می گردد تا برسد به وجود کمال مطلق که کاملترین مرتبه هستی است. در این راستا تمام صفات و افعال اختیاری که از انسان صادر می شود به میزانی که وی را به این مقام نزدیک کند ارزشمند خواهد بود. چنین رابطه ای را به طور مستقیم تنها از طریق توجهات قلبی (نیت) با اعمال می توان برقرار کرد. حسن فعلی و حسن فاعلی هر دو در ارزش گذاری عمل انسان سهیم اند. نظام تعلیم و تربیت نیز بر مبنای نظریه قرب الهی در عرصه اهداف، اصول، روشها، محتوای تربیتی و شیوه ارزشیابی متفاوت خواهد بود که از جمله اصول تربیتی که به آن اشاره شده توجه ویژه به معرفت و بینش دهی به مرتبی، نقش مهم عمل و رفتار در رسیدن به قرب الهی، اصل تربیت الهی برای نیل به مقام قرب الهی و نقش انسان کامل در سیر تقرب الی الله است که در پایان نظریه به آن ها اشاره شده است.

تقدیم

این نوشته را به ساحت منور آخرین ذخیره امامت و ولایت،

قطب دایره امکان، واسطه‌ی فیض عالم هستی، حضرت

صاحب العصر و الزمان (عج) تقدیم می‌نمایم.

تقدیر و تشکر

با سپاس ویژه از اساتید گرانقدر:

دکتر سید محمد بهشتی استاد راهنما و دکتر علی شیروانی استاد مشاور که با هدایت‌های ارزشمند ایشان این نوشته به سرانجام رسید و همچنین اساتید و مسئولین دانشگاه باقر العلوم (ع) که در گردآوری این رساله، اینجانب را از نظرات و پیشنهادات ارزنده خود بهره‌مند نمودند.

فهرست مطالب

ب	چکیده.....
ج	فهرست مطالب.....
1	مقدمه.....
	1- بیان مسأله 1
4	2- اهمیت و ضرورت پژوهش.....
4	3- پیشینه پژوهش.....
6	4- اهداف پژوهش.....
6	5- سؤالات اصلی و فرعی.....
6	6- روش تحقیق.....
8	7- دورنمای کلی مباحث.....
9	فصل اول: کلیات.....
9	1- مفهوم شناسی.....
9	1-1 اخلاق.....
10	- جایگاه نظریه قرب الهی در علم اخلاق.....
12	1-2 نظریه اخلاقی قرب الهی.....
13	1-3 معانی قرب و اقسام آن.....
19	1-4 تربیت.....
21	2- ویژگیها و وجوه تمایز نظریه قرب الهی در نظریات اخلاق هنجاری.....
21	2-1 فراگیری و شمول نظام ارزشی اسلام:.....
21	2-2 هماهنگی و انسجام درونی:.....

- 2-3 قابلیت تبیین عقلانی: 22
- 2-4 تأمین سایر ملاکها 22
- 2-5 توجه به حسن فعلی و حسن فاعلی با هم 25
- 2-6 مراتب داشتن ارزشها: 26
- 3-رابطه اخلاق و تربیت 26
- فصل دوم: مبانی نظریه قرب الهی 30
- مقدمه 30
- 1- مبانی انسان شناختی 33
- 1-1 حقیقت انسان به روح
اوست 33
- 3-رابطه بنیادین روح و بدن با یکدیگر: 33
- 1-2 ویژگیهای روح 34
- 1-2-1 1-2-1
- Error! نفس
- Bookmark not defined.
- 1-2-2 حرکت اشتدادی جوهری 1-2-2
- Error! Bookmark not نفس
- defined.
- 1-2-3 گرایشها و تمایلات 1-2-3
- Error! Bookmark not نفس
- defined.
- 1-2-4 نقش اختیار و انتخاب در تکامل 1-2-4
- Error! Bookmark not defined..... نفس
- 1-3 نحوه کمال یابی نفس (نقش نیت در تکامل نفس) 38
- 1-3-1 توجه نفس به مراتب خود و پی جویی کمال 1-3-1
- Error! Bookmark not defined..... آن
- 1-3-2 تزاحم امیال و لزوم 1-3-2
- Error! Bookmark not انتخاب
- defined.
- 1-3-3 توجه استقلالی و تبعی به مراتب نفس و صعود و نزول 1-3-3
- Error! Bookmark not defined..... آن
- 2- مبانی هستی شناختی نظریه قرب الهی 40

- 40 1-2 مراتب هستی.....
- 40 2-2 حرکت جوهری.....
- 41 3-2 مبدأ هستی (کمال محض).....
- 42 4-2 هدفمندی و نظم هستی.....
- 42 5-2 نظام هدایت تکوینی.....
- 43 6-2 نظام آخرت.....
- 43 نتیجه.....
- 45 3-مبانی معرفت شناختی نظریه قرب الهی.....
- 45 مقدمه : ارتباط معرفت با تکامل نفس.....
- 46 1-3 چستی معرفت.....
- 46 3-2 انواع معرفت.....
- 47 3-3 متعلقات معرفت.....
- 48 3-4 معرفت حقیقی در نظریه قرب الهی (از جهت ابزارها و متعلقات).....
- 50 5-3 شرایط حصول معرفت حقیقی از دیدگاه نظریه قرب الهی.....
- 52 4-مبانی ارزش شناختی نظریه قرب الهی.....
- 52 1-4 واقع گرایی نظریه قرب الهی.....
- 52 2-4 نسبییت یا اطلاق ارزشها در نظریه قرب الهی.....
- 53 3-4 دارای مراتب بودن ارزشها در نظریه قرب الهی.....
- 54 فصل سوم- ارکان نظریه قرب الهی:
- 55 1-مطلوب نهایی در نظریه قرب الهی.....
- 56 1-1 معنا و منظور از مطلوب نهایی چیست؟.....
- 1-1-1 1-1-1-1 فرق خیر، کمال، لذت، سعادت و
 غایت..... Error! Bookmark not defined.
- 1-1-2 1-1-2-1 کمال حقیقی نفس در غایت اخلاقی
 انسان..... Error! Bookmark not defined.
- 60 2-1 مصداق مطلوب نهایی در نظریه قرب الهی چیست؟.....
- 64 3-1 حقیقت قرب الی الله
- 74 4-1 حیطة اختیار انسان در تقرب الی الله.....
- 76 2- ارزش اخلاقی در نظریه قرب الهی:
- 76 1-2 ارزش اخلاقی در نظریه قرب الهی چیست؟.....
- 76 2-2 معیار ارزشهای اخلاقی.....

عمل	ارزشمندی	عناصر	2-2-1
Error! Bookmark not	اخلاقی	defined.
		2-2-2	مراتب
Error!	نیت
		Bookmark not defined.	
اساس	و	منشأ	2-2-3
Error! Bookmark	نیت
		not defined.	
83	3-2 راه وصول به ارزشهای اخلاقی (مسیر تقرب)
87	نتیجه:
90	فصل چهارم: دلالت‌های تربیتی نظریه قرب الهی
90	مقدمه:
91	-رابطه اهداف، اصول و روشها با یکدیگر:
93	1-اهداف تعلیم و تربیت متأثر از نظریه قرب الهی
93	1-1 هدف غایی و اصلی
95	1-2 اهداف واسطه‌ای و تبعی
و	تعقل	قوه	1-2-1 پرورش
Error! Bookmark not	تفکر
		defined.	
طهارت	و	تهذیب	1-2-2 تقوا،
Error! Bookmark not	نفس
		defined.	
طهارت	و	صحت	1-2-3
Error! Bookmark not	جسمی
		defined.	
97	2-ملاکهای بهنجاری و نابهنجاری از دیدگاه نظریه قرب الهی
98	1-2 نقد و بررسی ملاکهای بهنجاری در برخی مکاتب روانشناسی:
102	2-2 نقد و بررسی ملاکهای بهنجاری در برخی مکاتب فلسفی اخلاقی
105	3-2 تعریف سلامت و انسان آرمانی از دید نظریه قرب الهی و تفاوت آن با انسان سالم
قرب	نظریه	نگاه	2-3-1 بعد
		روان	شناختی
		سلامت	روش
		Error! Bookmark not defined.
		الهی

2-3-2	بعد	روانشناختی	سلامت	روان	از	دید	نظریه	قرب
	Error! Bookmark not defined.....الهی							
3-3	اصول و روشهای تربیتی متأثر از نظریه قرب الهی.....114.							
114	الف- در ارتباط انسان با خود.....114.							
3-1	1- اصل اول لزوم معرفت و بینش دهی.....114.							
3-2	2- روشهای ایجاد و تقویت معرفت ایمانی در انسان.....118.							
3-2-1	ایجاد	محیط	مساعد	و	سالم	فکری	و	
	Error! Bookmark not defined.....روانی							
3-2-2	فراگیری	معارف	الهی	و	جهانبینی			
	Error! Bookmark not defined.....توحیدی							
3-2-3	شکوفایی	شناختهای	فطری	یا				
	Error! Bookmark not defined.....فطریات							
3-2-4	تقویت							
Error!	اراده.....							
	Bookmark not defined.							
3-3	3- اصل دوم لزوم عمل برای وصول به قرب الهی.....123.							
3-4	3- روشهای تقویت عمل و رفتارهای ایمانی.....127.							
3-4-1	پایبندی	به	شریعت	برای	رسیدن	به		
	Error! Bookmark not defined.....حقیقت							
3-4-2	التزام	دائمی	به	برترین	عمل	یعنی		
	Error! Bookmark not defined.....ذکر							
128	ب- در ارتباط انسان با خدا.....128.							
128	3-5 اصل سوم تربیت خاص الهی.....128.							
3-6	3- روشهای راهیابی به تربیت خاص الهی.....133.							
3-6-1	تنبه	و	توجه	به	حقایق	هستی	و	بی
	Error! Bookmark not defined.....دنیوی							
3-6-2	ایجاد	عشق	و	محبت	به			
Error!	Bookmark not defined.....خداوند							
3-6-3	تذکر							
Error!	Bookmark not defined.....تفکر							
	not defined.							

- 136..... 7-3 اصل چهارم تربیت انسان کامل (لزوم وجود مقربین درگاه الهی و تربیت خاص آنها)
- 137..... 8-3 روشهای بهره‌مندی از تربیت انسان کامل.....
- 3-8-1 معرفت امام.....
- Error!
Bookmark not defined.
- 3-8-2 محبت امام.....
- Error!
Bookmark not defined.
- 139..... فهرست منابع:

مقدمه

1- بیان مسأله

نظریه قرب الهی یکی از نظریات مطرح در اندیشه فیلسوفان اخلاق اسلامی است. هرچند آنچه که در اندیشه اخلاق اسلامی وارد شده و آنچه که علمای دین با استنتاج از منابع و حیانی اخلاق مثل کتاب و سنت و احادیث عرضه کرده‌اند با نام نظریه قرب الهی معروف و شناخته شده نبوده، اما بررسی محتوایی منابع و مصادر اخلاقی به ضمیمه تأملات خاص در مبانی فلسفی آن اثبات می‌کند که آنچه به عنوان اخلاق اسلامی مطرح شده است را می‌توان در قالب یک نظریه منسجم با ویژگیهای خاص یک نظریه ارائه داد.

البته این بدین معنا نیست که تمام آنچه که با عنوان اخلاق اسلامی ذیل این معنا وارد شده، تبیین و تقریر نظریه قرب الهی و مفاد آن است بلکه فیلسوفان و اندیشمندان این عرصه، بر اساس رویکردهای مختلف (فلسفی، عرفانی، نقلی...) که داشته‌اند، نظریات و معیارهای متفاوتی را ارائه کرده‌اند. در هریک از مکاتب اخلاق اسلامی هرچند ممکن است محتوا و آموزه‌های

اخلاقی ارائه شده در نهایت به یک جا منتهی می‌شوند اما از نظر روش استناد و ارائه آموزه‌های اخلاقی کاملاً با یکدیگر متباین‌اند. بنابراین می‌توان همه این رویکردها را داخل در نظام اخلاق اسلامی دانست زیرا اختلاف مبنایی با یکدیگر ندارند. اختلاف میان نظامهای گوناگون اخلاق از سه مسأله ناشی می‌شود: 1- مصداق سعادت 2- اختلاف در جهان بینی‌ها 3- راه وصول به سعادت.² با هر رویکردی در اخلاق اسلامی، وصول به قرب الی الله و نزدیکی به کمال مطلق غایت حرکت انسان و مصداق سعادت است. سعادت‌مندترین انسان از دیدگاه عقل و نقل و شهود کسی است که بیشترین درجه از قرب الی الله را به دست آورد و بدبخت‌ترین انسان کسی است که بیشترین دوری را از این مقام دارد. اما نقطه اختلاف مکاتب اخلاق اسلامی، در راههای وصول به این سعادت است.

مسأله این است که آیا از میان این رویکردهای متفاوت در اخلاق اسلامی می‌توان یک نظریه جامع با عنوان نظریه قرب الهی که در تمام اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن هماهنگی وجود داشته باشد، استخراج نمود؟

علمای اخلاق ادعا می‌کنند اخلاق در مفهوم اسلامی آن و در پرتو آنچه از طریق قرآن و روایات به ما رسیده است، هم به پرسشهای بنیادین علم اخلاق که امروز در فلسفه اخلاق از آنها گفت‌وگو می‌شود، پاسخ می‌دهد و هم انسان کامل و مطلوب را در حوزه صفات نفسانی و الگوهای مختلف رفتاری می‌نمایاند و افزون بر آن دو، راهکارها و راهبردهای علمی و اجرایی را برای رسیدن به انسان اسوه و عالیترین مقامات معنوی نشان می‌دهد.³ این بدین معناست که می‌توان نظامی هماهنگ با ویژگیهای خاص یک نظام و نظریه‌ای علمی از منابع وحیانی استخراج کرد که جامع همه مسائل علم اخلاق باشد. چنانکه در میان آثار معاصر، تألیفاتی در تبیین نظام هماهنگ اخلاق اسلامی از منابع نقلی به ویژه قرآن به چشم می‌خورد که ابواب تازه‌ای را در این

1. مهدی علیزاده و دیگران، کتاب شناخت اخلاق اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1385، ص 58.

2 محمد تقی مصباح، اخلاق در قرآن، 3ج، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1383، ج 1، ص 138.

3- احمد دیلمی و مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، قم، چاپ 35، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه،

1384، ص 24.

موضوع گشوده‌اند که می‌توان به آثار اخلاقی علامه طباطبایی و استاد مصباح اشاره کرد. این پژوهش با توجه به این که نظامات اخلاقی دست‌ساز بشر ناقص است به دنبال ارائه نظریه‌ای جامع در اخلاق تحت عنوان نظریه قرب الهی است که مبانی خاص آن را نیز بررسی می‌نماید.

نظریه قرب الهی را می‌توان یکی از متقن‌ترین نظریات اخلاقی نسبت به نظریات اخلاقی مکاتب غربی دانست چرا که تنها نظریه اخلاقی است که با استناد به منبع غیر بشری وحی و فرستادگان الهی مثل پیامبر اکرم و ائمه (ع) البته با تأیید عقل سلیم و فطرت پاک، احکام اخلاقی خود را بیان و آنها را منشأ استخراج اصول اخلاقی و گزاره‌های ارزشی و معیارهای اخلاق قرار می‌دهد. دلیل دیگر بر ممتاز بودن این نظریه در میان نظریات رایج دیگر، مبانی فرااخلاقی آن است که با اشراف و احاطه کامل علمی و فلسفی بر وجود انسان و جهان و روابط این دو با یکدیگر، همه ارزشها و ارزشگذاریه‌ها را دارای حقیقتی نفس الامری معرفی می‌کند و صرفاً منشأ اعتبار آنها را الزامات و یا تمایلات درونی و یا قراردادهای اعتباری نمی‌داند. این در حالی است که هرچه ارزشها از پایگاه و خاستگاه قویتر و مطمئن‌تری برخوردار باشند، گزاره‌های اخلاقی باثبات‌تری را انعکاس می‌دهند.

این نظریه نه تنها به لحاظ علمی و فلسفی واجد شرایط نظریه است بلکه از جامعترین نظریات است زیرا اولاً از مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی جامع، فراگیر و گسترده‌ای برخوردار است که برگرفته از یک جهان‌بینی مطلق و کامل است و ثانیاً احکام اخلاقی را در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی و ابعاد مختلف وجودی انسان ارائه می‌دهد ثالثاً ارزشهایی که از این احکام اخلاقی استخراج می‌گردد طبق مبانی فرااخلاقی آن از منابع متقن و محکمی برخوردارند و رابعاً معیارهای ارزشی برگرفته از این ارزشها هم از دیدگاه عقل پذیرفته شده و مقبول است و هم از دیدگاه فطرت، وجدان و اخلاق که از منابع ارزش‌شناختی در مکاتب اخلاقی دیگر است.

بیان و بررسی نظریه قرب الهی بخش عمده پژوهش حاضر است. قسمت دیگری که در این مجال به آن خواهیم پرداخت، بررسی دلالت‌های تربیتی نظریه قرب الهی است. وقتی بحث از دلالت‌ها به میان می‌آید ورود به یک عرصه جدید را می‌طلبد که آن عرصه تعلیم و تربیت است. چرا که تا ما اشرافی کافی در این گستره نداشته باشیم، نمی‌توانیم دلالت‌های خاص نظریه را دریافت کنیم. بنابراین موضوعی که به آن پرداخته‌ایم یک موضوع میان‌رشته‌ای است که اشراف و تبیین علمی دو حوزه اخلاق و تربیت، لازمه نتیجه‌گیری و استنتاج‌های خاص آن است.

با وجود این پیش‌فرض که نظام تعلیم و تربیت حاکم بر هر مکتب فکری و اعتقادی مبتنی و برگرفته از نظام اخلاقی آن مکتب است، معرفی هنجارها و معیارهای ارزشی، در واقع زیرساخت‌های تربیتی خاصی را پی می‌ریزد که سبب تشکیل یک مکتب تربیتی خاص غیر از مکاتب تربیتی دیگر که مبتنی بر نظام‌های اخلاقی دیگری هستند می‌شود. پشتوانه هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی نظریه قرب الهی سبب می‌شود در عرصه تعلیم و تربیت به دور از هر گونه نسبیت‌گرایی و از مبانی مستند به وحی و اصول ثابت تربیتی و مطابق با عالم واقع برخوردار باشیم که این مسئله غنا و توفیق نظام تربیتی اسلام را تضمین می‌کند. این پژوهش بر آن است تا با بررسی عناصر سازنده نظریه قرب الهی در اخلاق اسلامی از جمله واقع‌گرا و غایت‌گرا بودن آن، نقش حسن فاعلی علاوه بر حسن فعلی و به عبارتی نقش نیت در رفتار اخلاقی، تعریف و معیاری که برای ارزش‌های اخلاقی ارائه می‌دهد، جایگاه عقل و وحی در آن، نقش اختیار و آگاهی انسان در ایفای مسئولیت اخلاقی، ارائه تصویر جدیدی از مطلوب‌نهایی انسان و طریقه خاص وصول به آن، دلالت‌ها و تأثیرات متفاوت این عناصر را در اهداف، اصول و روش‌های تربیتی به پژوهش بنشیند.

2- اهمیت و ضرورت پژوهش

طرح نظریه قرب الهی با نگرشی که نسبت به جهان هستی، ماهیت و غایت آن دارد و معیارهایی که برای ارزش‌ها و اصول مد نظر دارد، آرمانها و اهدافی را در تعلیم و تربیت در نظر می‌گیرد که

برای محقق ساختن این اهداف از شیوه‌های خاص عملی متناسب باجهان‌بینی خود مدد می‌گیرد. فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی رشته‌ای نو ظهور است که نیاز به توجه ویژه در بیرون کشیدن دلالت‌های تربیتی از دل نظریه اخلاق اسلامی دارد. کمبود تصویری صحیح از نظام تربیتی اسلامی بدون دخالت مبانی و جهان‌بینی‌های غربی در جامعه علمی ما سبب شده است بسیاری از منابع مکتوب ما برای متولیان تربیتی کشور، غربی و غیر دینی باشد. بنابراین پژوهش‌های از این دست، درحد بضاعت خود سبب جبران این نقیصه خواهد شد و این تحقیق تلاشی در جهت رسیدن به این آرمان بلند است.

3-پیشینه پژوهش

نظریه قرب الهی در آثار قدمای اخلاق به خصوص اخلاقیونی که بیشتر صبغه عرفانی دارند دیده می‌شود. به عنوان مثال می‌توان ریشه‌های آن را در ریاض السالکین تألیف سید علی خان کبیر در شرح صحیفه سجادیه در قرن 11 اشاره کرد یا آثار سید حیدر آملی مثل تفسیر المحيط الاعظم فی بحر الخضم در قرن 8 اشاره کرد. همچنین در تفاسیر عرفانی نیز می‌توان ریشه‌های این نظریه را یافت مثل تفسیر مخزن العرفان بانو امین. اما اصل نظریه با این عنوان به صورت مدون در آثار تفسیری آیت الله جوادی آملی، آثار آیت الله مصباح یزدی، تفسیر المیزان تألیف علامه طباطبایی دیده می‌شود. همچنین کتابهای بنیاد اخلاق و فلسفه اخلاق مجتبی مصباح نیز در این نظریه به پژوهش پرداخته است. قسمت دیگر پژوهش از آنجا که استنتاج دیدگاهها و دلالت‌های تربیتی از نظریه اخلاق اسلامی است و اخلاق و بحث از ارزشها یکی از حوزه های مورد بحث در هر مکتب فکری و اعتقادی است، زیر مجموعه فلسفه تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد. فیلسوفان تربیتی غرب همواره کوشیدند تا از سه مبنای وجودشناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی هر مکتب دیدگاههای تربیتی متناسب با آنها را در حوزه‌های اهداف، محتوا، روش، اصول و مبانی تربیتی استنتاج و استنباط کنند. مثل کتاب "مکاتب فلسفی و آراء تربیتی" جerald ال گوتگ یا فلسفه تعلیم و تربیت قدیم و معاصر نوشته جان الیاس. اما پژوهش حاضر،

در واقع فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است که تحلیل و تبیین مبانی نظری نظام تعلیم و تربیت اسلامی است.

آنچه که فیلسوفان تعلیم و تربیت مسلمان تاکنون نگاشته‌اند عمدتاً تحلیل و تبیین مبانی فلسفی غرب بوده و نویسندگان قریب به اتفاق آثاری که در این رشته داشته‌اند ترجمه است. چنانچه منابع و متون درسی این رشته در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری غالباً ترجمه منابع غربی‌اند. با توجه به منابع غنی اسلامی آیات و روایات در نظریه قرب الهی و نظریه پردازی فیلسوفان مسلمان در این باب مثل فارابی، بوعلی، صدرا، فیض کاشانی و معاصرینی همچون علامه طباطبایی، شهید مطهری، مصباح و... تاکنون نگاهی استنتاجی به دیدگاههای تربیتی اخلاق اسلامی به صورت مدون، کلاسیک و مجزا نشده است. گرچه در کتب اخلاقی قدما در کنار معرفی فضایل و رذایل اشاره به روشهای تربیت اخلاقی شده است. اما روشها یک عنصر از عناصر سازنده نظام تعلیم و تربیت‌اند و تعلیم و تربیت دارای عناصر سازنده دیگری همچون مبانی، اهداف، اصول، عوامل، موانع، محتوای تربیتی و شیوه‌های ارزشیابی هستند. این پژوهش دلالت‌های تربیتی این نظریه را در سه حوزه اهداف، اصول و روشها بررسی می‌کند.

4- اهداف پژوهش

ارائه تصویری جدید از مبانی و اصول نظام تربیتی اسلام بر مبنای نظریه قرب الهی و نگاهی استنتاجی به دیدگاه‌های تربیتی اخلاق اسلامی به صورت مدون از اهداف جدی این طرح است که البته وصول به این نتیجه مستلزم درک صحیح و عمیق نظریه قرب الهی و تفاوت‌های جدی آن با نظریات رایج در اخلاق هنجاری است و همچنین بررسی دقیق مبانی آن، این تفاوت‌ها را پررنگتر می‌نماید.

5- سؤالات اصلی و فرعی

سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که نظریه قرب الهی در نظام اخلاق اسلامی چیست و با نگاه خاصش به منشأ ارزشها و تعریفی که از کمال نهایی انسان دارد چه تأثیراتی در اهداف، اصول و روشهای تربیتی خواهد گذاشت؟

برای پاسخگویی به این سؤال بررسی سؤالات ذیل ضروری به نظر می‌رسد: 1- نظریه قرب الهی بر چه مبانی و اصول موضوعه‌ای استوار است؟ 2- ارکان و عناصر سازنده نظریه قرب الهی چیست؟ 3- ارتباط عناصر سازنده نظریه قرب الهی با عناصر تعلیم و تربیت چگونه است به عبارت دیگر نظریه قرب الهی چگونه می‌تواند زیرساخت و زیر بنای تربیت اسلامی باشد؟ 4- با پذیرفتن نظریه قرب الهی در مقابل دیگر نظریات اخلاق هنجاری چه تصویر متفاوتی از نظام تربیتی مبتنی بر آن ساخته می‌شود؟

6- روش تحقیق

با نگاهی به آثار فلاسفه اسلامی در می‌یابیم، حکمت متعالیه از آن جا که دستاوردهای فلسفی خود را از مسیر عقل و شهود به همراه هم ارائه کرده است می‌توان در آثار صدرالمتألهین و شارحان آن رگه‌های مشخصی از نظریه قرب الهی را دریافت کرد. از آن جا

که این پژوهش در تلاش است با روش تلفیق میان تحلیل‌های عقلی و داده‌های نقلی به یک نظریه منسجم اخلاقی دست یابد و مبانی، غایات و قواعد کلی اخلاق را با استناد به منابع اولیه دین - آیات و روایات - استخراج کند و از طرفی دستاورد عقل در حکمت متعالیه و آن چه که متون دینی به آن رهنمون است با یکدیگر تا حدودی هم‌نویسی دارند، در این پژوهش عمده مبانی عقلی بر اساس حکمت متعالیه تدوین شده است. دلیل استناد این پژوهش به دستاوردهای فلسفی حکمت متعالیه را می‌توان در روش خاص صدرالمتألهین در فلسفه خویش دانست. وی با وجود این که روش فلسفه محدود به روش عقلی و استدلالی محض است، به وفور در استنادات خود به گزاره‌های وحیانی و مکاشفات عرفانی خود و عارفان پیش از خود استناد می‌کند تا جایی که به صراحت فلسفه معارض با وحی را تباه، و حکمت غیر مؤید به کشف را ناپذیرفتنی می‌داند.^۴ بنابراین وحی و گزاره‌های دینی در حکمت متعالیه یا الهام بخش مسائل جدید است یا الهام بخش راه حل عقلی برای مسائل لاینحل و یا الهام بخش استدلال‌های نو و بدیع و در نهایت مؤید نتایجی است که با روش عقلی حاصل آمده است به عبارتی در مقام استشهاد از آنها استفاده می‌کند.^۵ دلیل دیگر را می‌توان فصل ممیز حکمت متعالیه از دیگر نظام‌های فلسفی مثل اشراق و مشاء دانست که آموزه‌هایی همچون اصالت وجود، تشکیک در وجود، حرکت جوهری و وجود رابطی معلول با علت است. این آموزه‌ها دقیقاً عناصری هستند که در تشکیل نظریه قرب الهی نقش اساسی ایفا می‌کنند.

از طرفی از آنجا که استنتاج دیدگاهها و دلالت‌های تربیتی نظریه قرب الهی قسمتی از موضوع پژوهش حاضر است، موضوع در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد که تحلیل و تبیین مبانی عقلی تعلیم و تربیت اسلامی است. عموماً پژوهشگران فلسفه تعلیم و تربیت به دو طریق در این عرصه پژوهش می‌کنند. طریق لمی که از بررسی مبانی فلسفی و عقلی آغاز می

⁴ صدرالمتألهین، اسفار اربعه، 9 جلد، سوم، بیروت، دار احیاء التراث، 1981 م، ج 7، ص 326.

⁵ عبودیت، عبدالرسول، خطوط کلی حکمت متعالیه، سمت، 1389، تهران، ص 24.

شود و به استنتاج آراء تربیتی می انجامد و طریق انی که از گزاره های موجود در تعلیم و تربیت شروع و به مبانی اعتقادی و فلسفی می رسد. این پژوهش به روش لمی پیامدها و دلالتهای تربیتی نظریه قرب الهی را استخراج می کند.

7- دورنمای کلی مباحث

در این پژوهش به جهت گستردگی موضوع و مجال کم این مقال، در بیان نظریه قرب الهی به دو سطح اخیر نظریه یعنی بیان معیارهای ارزش شناختی افعال و صفات و توجیه این معیارها اکتفا می شود. توجیه معیارها، تحت عنوان مبانی و پیش فرض هایی است که در واقع اصول موضوعه ای هستند که در مباحث علم النفس، فلسفه و مباحث معرفت شناسی به اثبات رسیده اند. این اصول موضوعه خود جنبه مبانی برای دیدگاه ارزش شناختی این نظریه دارد.

بنابراین نظریه قرب الهی در دو فصل کلی مبانی نظریه و ارکان نظریه تبیین خواهد شد. مبانی نظریه تحت چهار عنوان مبانی انسان شناسی، معرفت شناسی، هستی شناسی و ارزش شناسی طرح می شود و ارکان نظریه تحت دو عنوان مطلوب نهایی در نظریه قرب الهی و ارزش اخلاقی در این نظریه بررسی می شود. فصل پایانی پژوهش به دلالتهای تربیتی نظریه قرب الهی پرداختیم که در سه عنوان کلی اهداف تربیتی، ملاکهای بهنجاری و نابهنجاری از دیدگاه نظریه قرب الهی و اصول و روشهای تربیتی بررسی شده است. در پایان از راهنمایی های دلسوزانه اساتید راهنما و مشاور این طرح جناب آقای دکتر بهشتی و دکتر شیروانی کمال تشکر و قدردانی را دارم.

فصل اول: کلیات

1- مفهوم‌شناسی

1-1 اخلاق

اخلاق در لغت جمع خُلُق به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیر ظاهر قابل درک است، در مقابل خَلَق که به صورت محسوس قابل رؤیت است. کُر واقع منظور از واژه اخلاق صرف طبیعت و باطن انسان است.

اخلاق در کاربرد اصطلاحی خود یک معنای عام دارد که به نوع معاشرت و خوش برخوردی و رفتار ظاهری انسان با دیگران اطلاق می‌شود و یک معنای خاص دارد که علمای اخلاق آن را به کار می‌برند. علمای اخلاق این واژه را به ملکات و صفات پایدار و راسخی اطلاق نموده‌اند که بر اساس آن بدون بکارگیری فکر و اندیشه، نفس آدمی به انجام اعمال مربوطه می‌پردازد. علمای اخلاقی آنچه را که منشأ ایجاد رفتارهای درست و نادرست فرد می‌گردد، ملکات و صفات پایدار روحی می‌دانند که در شاکله شخصیت فرد در اثر عوامل مختلف ایجاد شده‌اند. از این ملکات با واژه "خُلُق" یاد می‌شود که دو قسم است، یا خلق نیک و

6راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، اول، بیروت، دارالعلم، 1412، ص84.

فضیلت است، یا خلق بد و رذیلت.^۷ بنابراین معنا، مقصود از اخلاق یک روش و رفتار ظاهری نیست، چنانکه برخی از علمای اخلاق غرب، اخلاق را رفتار ظاهری می‌پندارند^۸، بلکه ساختار درونی و قلبی انسان است. یعنی اعتقاد به این مسئله که رفتار اخلاقی هر فرد قبل از مرحله نمود ظاهری، ریشه‌ای باطنی دارد که اعمال از آن سرچشمه می‌گیرد. علم اخلاق علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن را معرفی و شیوه‌های تحصیل صفات نفسانی خوب و راهکارهای دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را مورد بحث قرار می‌دهد.^۹

- جایگاه نظریه قرب الهی در علم اخلاق

با توجه به تعریف علم اخلاق، در مجموع ما با چندین مسئله در این علم ارتباط داریم. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به اعتبار مباحث نظری که در علم اخلاق مطرح است آن را به اخلاق نظری و عملی تقسیم نمود.

اخلاق نظری تحت سه عنوان قابل طرح است: 1- اخلاق توصیفی 2- علم النفس اخلاقی یا فلسفی 3- اخلاق تحلیلی یا فرا اخلاق. اخلاق عملی نیز تقسیماتی دارد. گاه بحث از کارهای خاصی است که نمی‌دانیم درست یا نادرست است و گاه بحث از این است که کودکان خود را چگونه تربیت کنیم که فضایل در آنها رشد کند. بنابراین عناوین اخلاق عملی تحت دو عنوان 1- اخلاق هنجاری یا دستوری 2- اخلاق تربیتی یا تربیت اخلاقی که شاخه‌ای از تعلیم و تربیت است جای می‌گیرد.^{۱۰}

⁷ محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، قم، اسماعیلیان، بی تا، ص 22.

⁸ جورج ادوارد مور، مبانی اخلاق، غلامحسین توکلی و علی عسگری یزدی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و دفتر تبلیغات اسلامی، 1385، ص 124.

⁹ نصیر الدین طوسی، اخلاق ناصری، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ص 48. محمد مهدی نراقی، ص 26-27.

¹⁰ برای آشنایی بیشتر با حوزه‌های گوناگون اخلاق رجوع شود: مصطفی ملکیان، بحران اخلاق و معنویت، ماهنامه آفتاب، ش 6، مرداد 1380، ص 40.

در حوزه مطالعات اخلاقی پیش از اینکه به تعیین مصادیق صفات و اعمال خوب و بد و معرفی راههای تحصیل یا دفع آنها بپردازیم، پاره‌ای مسائل بنیادین نیز مطرح می‌شوند که بر مباحث اخلاقی تقدم دارند و عمدتاً ماهیت عقلانی دارند. این دسته سؤالات بنیادین در فلسفه اخلاق بحث می‌شود. بنابراین فلسفه اخلاق علمی است که از مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق بحث می‌کند.¹¹ در یک نگاه حداکثری فلسفه اخلاق شامل اخلاق هنجاری و فرااخلاق می‌شود.

اخلاق هنجاری دارای دو بخش است: بخش نخست از معیارهای کلی خوبی و بدی را بیان می‌کند که در فلسفه اخلاق جای می‌گیرد و بخش دوم که در زمره اخلاق عملی است، مصادق‌های آن معیار کلی را تشخیص می‌دهد و به بیان فضایل و رذایل می‌پردازد.¹² طبق این بیان اگر نظریه اخلاقی را در بردارنده معیارهای اخلاقی که به ارائه ملاکی برای درستی هر عمل می‌پردازند بدانیم، که در سطحی بالاتر برای خود این معیارها توجیهی ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که موجه بودن این معیارها با چه روشی معین می‌گردد¹³، نظریه قرب الهی، در زمره نظریات اخلاق هنجاری قرار می‌گیرد که واجد یک معیار کلی برای ارزشی بودن افعال اختیاری انسان است که "هر فعلی که سبب تقرب انسان به خدا شود، آن فعل ارزش اخلاقی دارد." و برای توجیه این معیار اخلاقی بر اساس مبانی و جهان‌بینی خاص خود توجیهاتی ارائه می‌نماید نظیر این که "چون خداوند کمال مطلق و جامع جمیع صفات کمالیه و جمالیه است، قرب به او سبب کمال می‌گردد پس هر امری که انسان را به این کمال مطلق نزدیک کند مطلوب و ارزشمند است."¹⁴

¹¹ محمد تقی مصباح، فلسفه اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1380، ص 18.

¹² علی شیروانی، اخلاق هنجاری، قم، کانون اندیشه جوان، 1378، ص 53.

¹³ همان، ص 192.

به طور عمده نظریات اخلاق هنجاری را به سه گروه می توان تقسیم کرد: نتیجه گرا، وظیفه گرا و فضیلت گرا.^{۱۴} از آنجا که نظریه قرب الهی با تعدیل های خاصی، اخلاق دینی مورد نظر خود را بر پایه فضایل و نیل به ملکات نیکو و اجتناب از رذایل بنا می سازد در زمره اخلاق فضیلت قرار می گیرد. اما می توان از جهتی نیز نظریه قرب را در اخلاق هنجاری در زمره نظریات نتیجه گروانه نیز جای داد چرا که ملاک ارزش ذاتی فعل، قرب اختیاری انسان به خداست. اگر کار برای خدا را خداگرایی بنامیم اخلاقی بودن یک فعل، به واسطه نتیجه حاصل از آن که قرب به خداست معنا می شود و این همان نتیجه گرایی است.^{۱۵}

بنابراین پژوهش در نظریه قرب الهی یک پژوهش فلسفه اخلاقی است چرا که جایگاه نظریات اخلاقی که به بررسی معیارهای کلی ارزش اخلاقی می پردازد اخلاق هنجاری است و بخش نخست اخلاق هنجاری که معیارهای کلی خوبی و بدی را بیان می کند در فلسفه اخلاق جای دارد. نظریه قرب الهی با توجه به منابع آیات و روایات این معیارها را بررسی می نماید و این مهم مستلزم تبیین مبانی و زیرساختهایی است که این معیارهای اخلاقی را توجیه نماید.

1-2 نظریه اخلاقی قرب الهی

نظریه اخلاقی محتوای یک بینش اخلاقی را به شکل نظری در می آورد. از آنجا که یک نظریه اخلاقی در مورد ماهیت، ساختار و مفاهیم اصلی تفکر اخلاقی، نظری را پذیرفته و دیگر نظریه ها را رد می کند، شامل برخی نظریات فرااخلاقی نیز هست.

در هر نظریه اخلاقی روند استدلالی وجود دارد که از ادعاهای اخلاقی خاص تر به مدعیات اخلاقی عامتری سیر می کند. هر نظریه اخلاقی سه سطح دارد. سطح اول در بردارنده احکام اخلاقی است که ارزشهای اخلاقی کارها یا افراد را مطرح می سازد. این سطح هدف نهایی استدلال اخلاقی و نقطه ای است که در آن تفکر اخلاقی به شکل یک توصیه عملی ظهور می -

14. ویلیام فرانکنا، فلسفه اخلاق، هادی صادقی، چاپ اول، قم، مؤسسه فرهنگی طه، 1376، ص 26.

15. مجتبی مصباح، بنیاد اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1385، ص 89.

یابد. سطح دوم یک نظریه اخلاقی در بردارنده اصول اخلاقی است که ارزشهای انواع یا طبقه‌ای از اعمال را نشان می‌دهد. سطح سوم و بالاترین سطح معیارهای اخلاقی قرار دارند که به ارائه ملاکی برای درستی هر عمل می‌پردازند. معیار اخلاقی ویژگیهایی را معین می‌کند که نه تنها عملی خاص یا حتی طبقه‌ای از اعمال بلکه تمامی اعمال باید واجد باشند. در مرتبه‌ای بالاتر نظریه باید برای خود این معیارها نیز توجیهی ارائه و نشان دهد که موجه بودن این معیارها با چه روشی معین می‌گردد.¹⁶

بنابراین در ارائه نظریه قرب الهی چهار مرحله را می‌توان طی کرد: 1- بیان توجیه معیارهای ارزش‌شناختی. 2- بیان معیار و ملاک ارزشها و افعال اخلاقی. 3- ارائه ارزشها و فضایل و رذایل اخلاقی. 4- بیان حکم و توصیه اخلاقی. این پژوهش از آن جایی که پژوهشی فلسفه اخلاقی است به ارائه دو مرحله اول یعنی بیان معیارهای ارزش‌شناختی و توجیه این معیارها می‌پردازد و وارد حیطه اخلاق عملی یعنی ارائه مصادیق ارزشها و ضد ارزشها و احکام اخلاقی نمی‌گردد.

1-3 معانی قرب و اقسام آن

یکی از عناصر کلیدی نظریه قرب الهی واژه قرب است. بر اساس نظریه قرب الهی، کمال نهایی انسان قرب الی الله و نهایت تقرب وی به خداوند معرفی می‌شود و همه افعال و صفات اختیاری بر اساس میزان تأثیر گذاری آن در تقرب به خدا ارزش‌گذاری می‌شود. واژه قرب در قرآن متعدد و در معانی مختلف به کار رفته است. برای فهم معنای مصطلح این واژه در اخلاق اسلامی و نظریه قرب الهی ناگزیر از بررسی معانی لفظی قرب هستیم. در کتب لغت کاربرد این واژه را در قرآن در معانی مختلفی ذکر کرده‌اند. ماده این واژه (قرب) به معنای نزدیکی در مقابل بعد است. گاهی در معنای نزدیکی مکانی به کار رفته است. مثل آیه شریفه " و لاتقربا هذه

¹⁶ برنارد ویلیامز، فلسفه اخلاق، زهرا جلالی، قم، دفتر نشر معارف، 1383، ص 183.

الشجره^{۱۷} و گاهی در معنای نزدیکی زمانی مثل این آیه " اقترب للناس حسابهم^{۱۸} است. که البته نزدیکی زمانی و مکانی در آیات هم زمان و مکان‌های دنیوی را شامل شده و هم زمان و مکان‌های اخروی را و به این دسته از معانی قرب، معانی مادی این واژه اطلاق می‌شود. معانی دیگر این واژه معانی معنوی قرب‌اند که به آن قرب معنوی یا قرب روحانی اطلاق می‌شود.^{۱۹} گاهی منظور از قرب معنوی، قرب و نزدیکی خویشاوندی و نسبی است. " و اذا حضر القسمه اولو القربی^{۲۰} در بعضی آیات قرب و نزدیکی از جهت صفاتی است که در شیء وجود دارد. مثل آیه شریفه " هُمْ لِلْكَافِرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ^{۲۱} معنای معنوی دیگر واژه قرب، به معنای سرپرستی و پاس داشتن حرمت از سوی خداست. مثل آیه "فَأِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ^{۲۲} و گاهی به بهره‌مندی و حظ از چیزی قرب گفته می‌شود. "عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقْرَبُونَ^{۲۳} با تحقیق و بررسی در معانی لغوی واژه قرب روشن می‌شود که اصطلاح قرب الهی یا تقرب در عرفان و اخلاق اسلامی در واقع بازگشت به معنای اخیر لفظ قرب یعنی بهره‌مندی شیء مقرب از موجود مقرب دارد. چنان که مفردات راغب واژه تقرب را که از مشتقات قرب است و در متون اسلامی از این مشتق بیشتر در مورد قرب به خداوند استفاده می‌شود، به معنای نزدیکی جستن و برابر نمودن با چیزی که نصیب و بهره‌ای را اقتضا می‌کند معنا نموده است.^{۲۴} مفسر کبیر علامه طباطبایی در المیزان معنای اصلی قرب را نزدیکی مکانی و زمانی می‌داند و کاربرد این واژه را در معانی و حقایق از باب توسعه معنا می‌داند. ایشان تصریح می‌کنند کلمه " قرب " حتی در مورد خدای تعالی استعمال شده است، آنجا که خود خدای تعالی فرموده: " وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ

17 بقره (2) آیه 35.

18 انبیا (21) آیه 1.

19 حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، 14ج، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360، ج 9، ص 227.

20 نساء (4) آیه 8.

21 آل عمران (3) آیه 167.

22 بقره (2) آیه 186.

23 مطفین (83) آیه 28.

24 راغب اصفهانی، ص 664

مِنْكُمْ^{۲۵} و نیز فرموده: " وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ "^{۲۶} و این معنا یعنی نزدیکتر بودن خدای تعالی به من از خود من، و به هر چیزی از خود آن چیز و این عجیب‌ترین معنایی است که از مفهوم قرب تصور می‌شود.^{۲۷} چنان که زمخشری و آلوسی نیز در تفسیر خود اطلاق قرب را درباره خداوند از باب تشبیه و تمثیل بر می‌شمرند زیرا معنای حقیقی قرب را خصوص نزدیک بودن مکانی می‌دانند و استعمال آن در مورد موجود منزه از مکان را استعاره پنداشته‌اند. عده‌ای از معاصرین نیز، کاربرد اولیه واژه قرب را در مورد محسوسات حقیقی می‌دانند. یعنی نزدیکی زمانی و مکانی و اطلاق واژه را در امور معنوی در قرآن، به این صورت مستدل می‌کنند که قرآن برای تبیین و تفهیم یک حقیقت معنوی از مفاهیم و الفاظی که دال بر امور مادی و حسی است استفاده می‌کند. از این رو از باب توسعه معنا همین واژه به معنای قرب و بعد معنوی نیز به کار رفته است.^{۲۸} این در حالی است که در تفاسیر دیگر عنوان قرب را به نزدیکی از لحاظ زمان، مکان و مانند آن از امور مادی اختصاص ندادند و لذا اطلاق آن را درباره خداوند از باب حقیقت دانستند نه تمثیل.^{۲۹}

براساس معانی‌ای که تا کنون واژه قرب در مورد آنها اطلاق شده است سه معنای مصطلح و رایج یافت می‌شود که برای پیدا کردن معنای مورد نظر در این پژوهش به آن اشاره می‌کنیم.

1- قرب زمانی و مکانی که اشاره به نسبت مکانی و زمانی بین دو شیء مادی دارد. این معنا در مورد خداوند کاربرد ندارد زیرا خداوند مادی نیست و جسم ندارد تا قرب زمانی و

25 واقعه (56) آیه 85.

26 ق (50) آیه 16.

27 محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، 20 جلد، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1374، ج 19، ص 207.

28 محمد تقی مصباح یزدی، به سوی او، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1375، ص 43.

29 عبداللهجوادی آملی، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، 1378، ج 9، ص 400.

مکانی در مورد او صادق باشد. نزدیکی خدای تعالی به بنده با حضور قلب بنده نزد اوست نه قرب و نزدیکی مکانی و از این روی روایت شده است که موسی علیه السلام گفت:

«الهی اقریب انت فاناجیک؟ ام بعید فانادیک؟ انا جلیس من ذکرنی.

خداوندا آیا تو نزدیکی که من با تو نجوا کنم و راز گویم یا دوری که در آن صورت ندایت دهم، پس گفت: من همنشین کسی هستم که من را یاد کند و در اندیشه و قلبش حضور داشته باشم.³⁰

2- قرب معنوی: هم شامل قرب در صفات می شود مثل اینکه بگوییم مسلمان بخیل دورتر از کافر سخی است به نجات و رستگاری و هم شامل قرب اعتباری می شود که در عرف رایج از این اصطلاح برداشت می شود قرب معنوی شخصی نزد شخص دیگر است. بدین معنا که حقیقتاً نزدیکی و دوری اتفاق نمی افتد بلکه ارتباط نزدیک و خوب شخص وی را محبوب و مورد توجه دیگری قرار می دهد. به طوری که اگر درخواستی از او داشته باشد رد نمی شود. این معنای قرب در مورد خداوند هم متصور است به این معنا که اگر انسان از طریق رفتار اختیاری خود به مرحله قرب الهی برسد، دعاهایش مستجاب خواهد شد. با همین برداشت از این واژه مؤمنین، مقربین درگاه الهی مثل ائمه معصومین را واسطه می کنند و با توسل به ایشان حاجات خود را می طلبند. زیرا چنین می انگارند که ایشان به واسطه تقریبی که نزد خداوند دارند مورد توجه و محبوب خداوندند و خواسته ایشان رد نمی گردد. چنین معنایی از قرب در ارتباط و نسبت با خدا کاربرد دارد. چنان که در ادعیه خطاب به معصومین وارد شده است "یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله" یا در قرآن در مورد حضرت عیسی آمده است "وجیها فی الدنیا و الآخره و من المقربین"³¹ اما آنچه که از قرب الهی در این نظریه اراده می گردد معنایی فراتر و عمیق تر از این

³⁰ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، 110 جلد، بیروت، مؤسسه اللوفاء، 1410، ج 2، ص 329.

³¹ آل عمران (3) آیه 45.

معناست. چرا که این معنا خود به خود دلالتی بر تکامل روحی و اخلاقی انسان ندارد. اگر چه این معنا در سطحی پایتتر می تواند منظور باشد.

3- قرب الهی: این قسم، معنایی از قرب است که قرآن در آیات متعدد از آن مستقیماً در ارتباط انسان با خداوند یاد کرده است و خود دو قسم دارد. گاهی قرب و نزدیکی خداوند به عبد است به جهت احاطه وجودی که به هر چیزی دارد و گاهی قرب عبد به خداوند است از آن جهت که بندگان با عبودیت خود در معرض رحمت الهی واقع می شوند. این دو قسم به جهت اهمیت ویژه‌ای که در بحث ما دارند تحت عناوین ذیل تبیین خواهیم کرد.

الف : قرب تکوینی: این قرب و نزدیکی حکایت از رابطه‌ای مستحکم بین خالق و مخلوق دارد که از جهت رابطه علت و معلول با یکدیگر است. چرا که معلول عین الربط به علت است و اصل وجودش وابسته به اوست و از خود استقلال ندارد. از آنجا که خداوند نور مطلق و نامتناهی است که هیچ حد و ماهیتی ندارد و احاطه قیومی به همه موجودات عالم دارد و هیچ ذره‌ای در عالم از نور وجود او خالی نیست و هیچ موجودی از سلطه و نگاه او پوشیده و محجوب نیست، در نهایت قرب و نزدیکی به بندگان و مخلوقات خود است. این احاطه قهارانه الهی بر همه موجودات، احاطه و علم حضوری خداوند است به معالیل خود. چرا که معلول در مرتبه وجودی علت موجود است و علم حضوری علت به خود مستلزم علم به معالیل خود نیز هست زیرا عبارت از حضور و احاطه تام عالم به معلوم محاط است. مثل علم و احاطه حضوری نفس انسان به اعضا و جوارح و حالات خود است بدون وسایل و وسائط. و این اتم مراتب قرب و نزدیکی است بین موجود محیط و موجود محاط ۳۲. وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ - 2/ 186.

قرب حق تعالی به انسان در آیات متعددی بیان شده که مفسرین مراحل را برای آن

قائلند:

32 حسن مصطفوی، ص 228 و 229.

1. خداوند از دیگران به انسان نزدیک تر است. وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ (85 / 56)

2. خدای سبحان از رگ حیات نیز به انسان نزدیکتر است نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (16 / 50) خداوند از لحاظ احاطه و قیوم وجودی بودن به انسان از مهمترین عامل حیاتی وی یعنی رگ گردن که با قطع آن حیات انسان منقطع می گردد نزدیکتر است.

3. خدای سبحان به انسان از خود او هم نزدیکتر است. و اعلمو ان الله يحول بين المرء و قلبه (8/24)

بهترین راه برای اثبات قرب مطلق خداوند به ذات، صفت، فعل و اثر هر چیزی همانا حقیقت نامحدود بودن آن هستی محض است. اگر چنین موجودی به هر موجودی اقرب از هر موجود دیگر، حتی از خود آن موجود نباشد مستلزم تناهی موجود نامتناهی خواهد بود.³³ استدلال‌هایی را فلاسفه بر اثبات قرب مطلق صانع بر هر موجودی اقامه کرده‌اند. از جمله استدلال فخر رازی در کتاب تفسیر کبیر خود که بیان آن در محدوده این مقال نمی‌گنجد.³⁴ این قسم از قرب الهی که فلاسفه به آن قرب فلسفی می‌گویند و مفسرین آن را قرب رحمانی می‌نامند از آن‌جا که مختص انسان نیست و همه موجودات از آن‌جا که معلولند و مخلوق خداوندند و احاطه رحمانی و علی خداوند به همه موجودات اختصاص دارد اکتسابی و اختیاری انسان نیست و تکامل وجودی انسان سبب این قرب نشده این معنا میان همه موجودات معلول با علت‌های خویش برقرار است و همه انسانها و مخلوقات عالم در این قرب و نزدیکی به خداوند با هم شریکند. پس نمی‌تواند منظور از کمال نهایی انسان باشد چرا که خدا با جمادات هم این رابطه قرب و نزدیکی را دارد. بنابراین در نظریه اخلاقی نمی‌گنجد.

33 جوادی آملی، تسنیم، ج 9، ص 403.

34 رازی فخرالدین، تفسیر مفاتیح الغیب، چاپ سوم، 32 جلد، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ج 28، ص 135.

ب: قرب ارزشی: این قسم قربی است که محصول و معلول آگاهی و شناخت و اراده و فعل اختیاری انسان باشد. در مورد بندگان در مرحله بندگی و عبودیت است. چون نزدیک شدن بنده به خدای تعالی امری است اکتسابی، که از راه عبادت و انجام مراسم عبودیت به دست می آید، کلمه را در این مورد در صیغه تقرب استعمال می کنند. تقرب به معنای آن است که کسی بخواهد به چیزی و یا کسی نزدیک شود، بنده خدا با اعمال صالح خود می خواهد به خدا نزدیک گردد، و این نزدیکی عبارت است از اینکه در معرض شمول رحمت الهی واقع شود، و در آن معرض شر اسباب و عوامل شقاوت و محرومیت را از او دور کنند.³⁵ در نظام ارزشی اسلام، تقرب الی الله نهایت درجه تکاملی انسان است که به وسیله نوع ارتباط معرفتی و درک عمیق رابطه وجودی خود با خداوند حاصل می شود. بدون این شرایط هرکسی به این مقام نخواهد رسید. نزدیکی بنده از خداوند در حقیقت مخصوص شدن به صفات فراوانی است که اگر خدای تعالی را هم با آنها توصیف کنیم درست است. هر چند که وصف انسان در باره خداوند به آن حدی نیست که خداوند با آنها وصف میشود مثل حکمت، علم و دانش، بردباری، رحمت و بی نیازی، که این صفات در انسان با زایل کردن پلیدیها و زشتی های جهل و نادانی و سبکسری و خشم و نیازهای جسمی به اندازه طاقت بشری است که قرب روحانی است، نه بدنی و جسمی.³⁶ چنان که خداوند در حدیث قدسی می فرماید:

«من تقرب الی شبرا تقربت الیه ذراعا» کسی که به اندازه یک وجب بمن تقرب جوید من دو چندان به او نزدیک می شوم.

روشن است که قرب الهی ای که قرآن کریم به عنوان کمال نهایی انسان معرفی میکند و همه کمالات جسمی و روحی، مقدمه رسیدن به آن هستند همین قرب ارزشی است. حقیقت

35 محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج 19، ص 207.

36 غلامرضا حسینی خسروی، ترجمه و تحقیق در مفردات الفاظ قرآن، 4 جلد، دوم، تهران، مرتضوی، 1375، ج 3، ص 165.

تقرب الی الله را که مد نظر نظریه قرب الهی است بعد از این واژه‌شناسی در فصول آینده ان شاء الله بیان خواهیم کرد.

1-4 تربیت

تربیت از ریشه ربو گرفته شده است و از باب تفعیل است. در این ریشه معنای زیادت و فزونی لحاظ شده است. بنابراین واژه تربیت با توجه به ریشه آن به معنای فراهم کردن موجبات فزونی و پرورش است. در بعضی موارد تربیت به معنای تهذیب نیز استعمال شده است که به معنی زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است³⁷. شاید از آن جهت که تهذیب یا تربیت اخلاقی مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است، مترادف با تربیت گرفته شده است. معادل واژه تربیت **education** است که از یک ریشه به معنای تغذیه یا خوراک دادن است و از ریشه‌ای دیگر به معنای بیرون کشیدن چیزی است.³⁸

در نظام کنونی تعلیم و تربیت، این واژه به چهار معنای عمده اطلاق می‌گردد: 1- تربیت به معنای مؤسسه و نهاد آموزشی. 2- تربیت به معنای محتوا و برنامه آموزشی. 3- تربیت به معنای عمل و جریانی که در حیات انسانی به چشم می‌خورد. 4- تربیت به معنای محصول و نتیجه تربیت.³⁹

می‌توان گفت معنای سوم، یعنی عمل و جریان تأثیرات هدفدار یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (متربی) که در حیات انسانی به چشم می‌خورد، وسیعترین معنای تربیت است که دارای جنبه‌های گوناگونی است و در واقع معانی دیگر به یکی از این جنبه‌ها اشاره دارد. کارشناسان تعلیم و تربیت با برداشت از این تعریف گاستون میالاره تعلیم و تربیت را به عنوان

37 راغب اصفهانی، ص 340.

38 خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، 2 جلد، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مدرسه، 1380، ج 1، ص 37.

39 میالاره، گاستون، معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علیمحمد کاردان، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،

1375، ص 5.

عملی اجتماعی معرفی می کنند که این عمل زمینه ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعداد های شخص را در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف های مطلوب و براساس برنامه ای سنجیده شده فراهم می کند.⁴⁰ البته این عمل مبتنی بر یک سلسله واقعیات نظری است. اگر ما این عمل را بشکافیم می بینیم که دارای سه مرتبه یا مرحله است.

1- لایه روین آن عمل تربیتی است که مربی و متربی در گیر و دار آن هستند. از این قسم تعلیم و تربیت "پداگوژی" یا "رفتارشناسی تربیتی" تعبیر می شود. 2- در طبقه و لایه دوم آن دانش آموزش و پرورش است که این لایه به عنوان علوم تربیتی و تعلیم و تربیت علمی شناخته می شود. این قسم تعلیم و تربیت حاصل نگرش های تحلیلی، تجربی در حوزه تعلیم و تربیت است و می توان آن را در زمره علوم تجربی مثل روانشناسی، جامعه شناسی و غیره قرار داد مثل مدیریت آموزشی، برنامه ریزی درسی و آموزشی، ... ویژگی علوم تربیتی آن است که دانش تعلیم و تربیت را در مقام عمل قرار می دهد و به عبارتی آن را کاربردی می کند. 3- در لایه زیرین عمل تربیتی جنبه نظری و فلسفه تعلیم و تربیت قرار دارد که از آن به تعلیم و تربیت فلسفی تعبیر می شود. ویژگی این قسم از تعلیم و تربیت استفاده آن از حوزه های متعدد معرفتی است یعنی از فلسفه، دین، اخلاق و فلسفه اخلاق بهره می گیرد.⁴¹

تعلیم و تربیت فلسفی، کارکرد راهنمایی و هدایت این دانش را به عهده دارد چرا که به واقعیت ها و به حوزه ارزشها و بایدها که به اهداف تعلیم و تربیت مربوط است، می پردازد. رویکردی کل گرا که جهان را در قالب نظم مشخص ریخته و تربیت را هماهنگ با آن نظام و قالب تفسیر می کند و با اسلوب فلسفی آن را مطالعه و تعریف می نماید. چنین گرایشی هدفی جز پرداختن به مبانی، اصول، پیش فرض ها، فرض ها، روش ها، معیارها و اهداف حاکم بر تعلیم

40 علی محمد کاردان و دیگران، فلسفه تعلیم و تربیت، 2 جلد، چاپ هفتم، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1384، ج 2، ص 366.

41 مجله حوزه و دانشگاه، گفت و گو با علی محمد کاردان، ش 28، پاییز 1380، ص 7.

و تربیت ندارد.

بنابراین در یک موشکافی علمی در اصطلاح تعلیم و تربیت، اجزایی را در آن می‌یابیم که ممکن است در پژوهشهای تربیتی به دلیل عدم تمایز میان این اجزاء، مباحث با یکدیگر خلط شده باشد. تمایز بین تربیت در مقام عمل و دانش تربیت و دانشهایی که تحت عنوان تربیت نهفته است، ما را در تعیین آنچه که از این عرصه قصد کرده‌ایم یاری خواهد کرد.

طبیعتاً علوم تربیتی و رفتارشناسی تربیتی از حیطه این نوشتار خارج است. اما تعلیم و تربیت فلسفی که بخش زیر بنایی و جنبه نظری این دانش است، و ارتزاق اصلی آن از دین، اخلاق و فلسفه اخلاق است، می‌تواند منظور از دلالت‌های تربیتی را بیان کند.

2- ویژگیها و وجوه تمایز نظریه قرب الهی در نظریات اخلاق هنجاری

نظریه قرب الهی دارای خصوصیات ویژه‌ای است که موجب برتری آن بر سایر نظریه‌های اخلاقی شده است.

2-1 فراگیری و شمول نظام ارزشی اسلام:

براساس ملاکهای ارائه شده در ارزشی بودن یک فعل انواع مختلف افعال انسان در ارتباط با خانواده، فرد، جامعه، خداوند، محیط زیست همه ارزشگذاری می‌شوند. این سبب می‌شود که شخص در تمام حالات و شرایط و امکانات قادر به کسب ارزشهای اخلاقی باشد و بر تمام لحظات زندگی فردی و اجتماعی خود بتواند در مسیر تکامل و صعود حرکت کند. بنابراین برخلاف مکاتب اخلاقی دیگر که دایره ارزشها محدود و تنگ است و عموماً منحصر در فعالیتهای اجتماعی است. در نظریه قرب الهی هیچ مسأله‌ای از مسائل زندگی نیست که تحت پوشش ارزشهای اخلاقی قرار نگیرد.

2-2 هماهنگی و انسجام درونی:

بررسی در بسیاری از مکاتب اخلاقی نشان می‌دهد که آنچه به عنوان محور ارزشهای اخلاقی قرار داده می‌شود نمی‌تواند ارتباط ذاتی مصادیق این ارزشها را با یکدیگر حفظ کند. زیرا ملاکها انتزاعی و تابع شرایط اند، نه حقیقی و ناظر به حقایق. خواست فرد یا جامعه حتی لذتهای افراد ذاتا قابل تغییر است و هماهنگ کردن سلاقی باهم امکان‌پذیر نیست. اما در نظریه قرب الهی با در نظر گرفتن مراتب وجودی انسان و کمالات و لذایذ و خواستههای هر مرتبه، مصداق کمال و لذت و مطلوب نهایی براساس آن چه که حقیقتا در خارج واقع است تعیین شده و همه اعمالی که در این جهت واحد هستند به تبع هماهنگی و ارزیابی شده‌اند. میان ارزشهای اخلاقی در نظریه قرب الهی ارتباط معقول و منطقی وجود دارد و می‌توان این مجموعه را به صورت درختی ترسیم کرد که دارای ریشه و شاخه‌های اصلی و فرعی است و جهت حرکت همه آنها به سمت بالا است.

2-3 قابلیت تبیین عقلانی:

بسیاری از مکاتب اخلاقی تصریح می‌کنند که مجموعه ارزشها و ملاکهایی که ارائه کرده‌اند پشتوانه فلسفی ندارند. تا جاییکه برخی ارزشها را برگرفته از احساسات و عواطف می‌دانند و آنها را بی‌ارتباط با واقعیات عینی و غیر قابل استدلال می‌شمرند. اما از آنجا که در نظریه قرب الهی قوانین اخلاقی انشائی محض نیستند و مبنا و پشتوانه واقعی و عینی دارند. بدین معنا که افعال اختیاری انسان که موضوع قضایای اخلاقی است، واسطه‌ای میان نیازهای مربوط به مراتب مختلف وجود انسان و رفع این نیازهاست و در نتیجه بین افعال اختیاری و نتایج آنها رابطه علی و معلولی برقرار است و رابطه علت و معلول رابطه‌ای واقعی و عینی است ارزشهای مبتنی بر این روابط نیز پشتوانه واقعی داشته و قابل چون و چرا و استدلال می‌باشند. لذا می‌توان درستی این نظام را اثبات و لزوم تبعیت از ارزشهای آن را تبیین نمود. این ویژگی ریشه در واقع گرا بودن نظریه دارد. زیرا تبیین عقلانی ارزشها فقط زمانی ممکن است که بتوان رابطه بین ارزشها و

واقعیت‌ها را کشف کرد. اگر ارزشها صرفاً تابع قرارداد باشند، هیچ رابطه منطقی با هم ندارند و هیچ دلیل عقلی هم نمی‌تواند آنها را ثابت کند.

2-4-تأمین سایر ملاکها:

در بسیاری از مکاتب اخلاقی توجه به یک بعد از ابعاد وجودی انسان شده است. مثل عاطفه‌گرایی، سودگرایی، وجدان‌گرایی،... در نظریه قرب الهی اگر کسی به هدف نهایی اخلاق، یعنی قرب الهی برسد از بالاترین و خالص‌ترین لذت، قدرت، آرامش خاطر، دنیا و دیگر ملاکهای خودگرایان نیز بهره‌مند شده است.

1-تأمین لذت: انسان کامل با دستیابی به ارزش نهایی و بالاترین درجه قرب، به بالاترین لذتی که برای انسان قابل حصول است دست می‌یابد. زیرا لذت حاصل درک وصول به نوعی کمال است، و انسان کامل به بالاترین درجه درک کمال و بالاترین مرتبه وصول به کمال نایل می‌آید. چنین کسی به بالاترین کمالات ممکن برای خود دست یافته، کمال نهایی خود را با علم حضوری به طور کامل می‌یابد و این بالاترین درجه درک کمال است. از سویی وصول به این کمال از نوع تعلق وجودی است که کاملترین نحوه ارتباط ممکن میان دو موجود است و این بالاترین مرتبه وصول به کمال است. بنابراین بالاترین و جامع‌ترین لذات، عقلاً لذات آن جهانی است که تنها در سایه تقرب به خدای متعال به دست می‌آید. بنابراین اصل لذت از نظام ارزشی اسلام حذف نشده است. در قرآن کریم به این مطلب تصریح شده است: "فیها ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین و انتم فیها خالدون. در بهشت هر چه دلها بخواهند و چشمها از آن لذت ببرند هست و در آن جاودانه به سر می‌برید."^{۴۲} البته کسانی که به بالاترین درجات کمال دست یافته‌اند، افزون بر لذت‌های مادی آخرت، از لذت‌های معنوی نیز برخوردارند. " ورضوان من الله اکبر. رضایت خداوند از سایر نعمتها بزرگتر است."

امام سجاد می فرماید: " واستغفرک من کل لذت بغیر ذکرک و من کل راحه بغیر انسک و من کل سرور بغیر قربک. و از هر لذتی جز یاد تو، و از هر راحتی جز انس با تو، و از هر شادی و سروری جز قرب به تو، آمرزش می طلبم. ۴۳

2- تأمین قدرت:

قدرت و سعادت حقیقی نیز با رسیدن به مقام قرب حاصل می گردد چرا که انسان مقرب خلیفه خداوند بر زمین است و مانند خداوند می تواند در هستی تصرف کند. (أطعنی فی ما أمرتک أجعلک تقول للشیء کن فیکون) در آن چه به تو امر کردم اطاعت کن تا تو را چنان کنم که به هر چه بگویی باش موجود شود. ۴۴ مقربین درگاه الهی با برخورداری از پشتوانه الهی هیچ ترس و وحشتی ندارند و سرانجام این نفوس مطمئن به مقام رضایت الهی و سعادت ابدی دست می یابند. یا ایتهای النفس المطمئنه. ارجعی الی ربک راضیه مرضیه .. ۴۵ " یا بن آدم، انا غنی لأفتقر أطعنی فیما أمرتک أجعلک غنیا لا تفتقر. یا ابن آدم، انا حی لأموت أطعنی فیما أمرتک أجعلک حیا لا تموت.. یا بن آدم، انا أقول للشیء کن فیکون أطعنی فیما أمرتک أجعلک تقول للشیء کن فیکون.... ۴۶

ای فرزند آدم، من بی نیازی هستم که نیازمند نمی شوم. مرا در آنچه به تو امر کردم اطاعت کن تا تو را بی نیازی کنم که نیازمند نشوی. ای فرزند آدم، من زنده ای هستم که نمی میرم، مرا در آنچه به تو امر کردم اطاعت کن تا تو را زنده ای کنم که نمیری. ای فرزند آدم، من به هر چه بگویم باش می شود. مرا در آنچه به تو امر کردم اطاعت کن تا تو را چنین کنم که به هر چه بگویی باش بشود....

43 قمی، مفاتیح الجنان، مناجاه الذاکرین.

44 محمد باقر مجلسی، ج 93، باب 24، ص 376.

45 فجر (89) آیه 27-28.

46 محمد باقر مجلسی، ج 90، ص 376.

3- تأمین آرامش روحی:

آرامش خاطر نیز ارمغان قرب الهی است. چرا که قرآن می‌فرماید: *ألا بذكر الله تطمئن القلوب*. با یاد خدا دلها آرام می‌گیرد. ۴۷ با دست یافتن به کمالات واقعی و درک حقیقت آنها، امور مزاحم برای انسان بی‌ارزش و کوچک می‌گردد و با اینکه از امور دنیوی متناسب با کمال حقیقی خود استفاده می‌کند به آن دسته از امور دنیوی که با کمال حقیقی انسان تزامم دارند بی-اعتنا و بی‌رغبت می‌شود.

"ألا ان اولياء الله لاخوف عليهم و لا هم يحزنون". ۴۸ به درستی که اولیای خدا نه ترسی دارند و نه اندوهی.

4- تأمین اعتدال و حد وسط در صفات نفسانی و افعال: مقربین درگاه الهی، تمام نیازهای وجودی خود را هماهنگ با کمال حقیقی و قرب به خدا تأمین می‌کنند و از آنجا که کمال حقیقی خود را مطلوب اصلی قرار داده است، تأمین تمام نیازهای دیگر خود را صرفاً از جهت مقدمه و برای تأمین کمال حقیقی می‌خواهد، و در نتیجه از افراط و تفریط در تأمین خواسته‌های دیگر که موجب ناهماهنگی با آن است می‌پرهیزد.

2-5 توجه به حسن فعلی و حسن فاعلی با هم:

در بیشتر مکاتب اخلاقی، معیار قضاوت در مورد ارزشمند بودن یا بی‌ارزش بودن رفتار را خود عمل و نتایج آن می‌دانند و به انگیزه و نیت انجام دهنده آن توجهی ندارند یعنی تنها حسن فعلی، نفس عمل و نتایج حاصل از آن را ملاک قرار می‌دهند. اما در نظریه قرب الهی نیت نقش جهت دهنده به عمل را دارد، روح و منشأ اساسی ارزش اخلاقی است و کاری که به خودی خود خوب است، تنها در صورتی می‌تواند برای انجام دهنده آن ارزش اخلاقی فراهم کند که از نیت و انگیزه صحیح فاعل سرچشمه گرفته باشد. تأثیری که نیت انسان روی کار، و کار از مسیر

47 رعد (13) آیه 28.

48 یونس (10) آیه 62.

نیت در تکامل نفس و رسیدن انسان به سعادت ابدی دارد یک تأثیر طبیعی و تکوینی است نه قراردادی. رابطه اعمالی که در خارج انجام می‌دهیم با کمال نفس به وسیله نیت و انگیزه‌ای برقرار می‌شود که از سوی نفس به آن کار تعلق خواهد گرفت. بنابراین اگر در عملی نیت نباشد یا نیت صحیحی نباشد آن عمل موجب کمالی برای نفس نخواهد بود. ۴۹ از طرفی هر فعلی همبا نیت صحیح، اخلاقی نیست و فعل باید ذاتا صلاحیت لازم را برای اخلاقی بودن داشته باشد. لذا قرآن، در اکثر آیات خود راه فلاح و رستگاری را ایمان و عمل صالح همراه هم متذکر شده است. باید ایمان باشد تا انگیزه کار صالح پدید آید و عمل صالح هم از او سر بزند تا او را به سعادت برساند. عمل صالح از شخص بی‌ایمان فقط سبب محبوبیت و اشتها فاعل نزد مردم می‌شود نه سبب کمال او.

2-6 مراتب داشتن ارزشها:

در نظریه قرب الهی، ارزشها دارای مراتب و درجات مختلفی هستند که نسبت به میزان خلوص نیت و آثار آن متفاوت است. یعنی چنین نیست که کاری یا مطلقا فاقد ارزش باشد و یا تنها مرتبه ارزش را داشته باشد و امر دایر بر این باشد که یا کار ارزش داشته باشد و یا کلا فاقد ارزش باشد. در نظریه قرب الهی همه اعمال نیک می‌توانند با اندک توجهی به هدف اخلاقی، ارزش انسانی پیدا کنند و درجه ارزش هر فعلی به میزان تأثیرگذاری آن در وصول به هدف نهایی تعیین می‌گردد. مراتب داشتن ارزشها در نظریه قرب الهی سبب می‌گردد که به آسانی انسان مرتکب فعل غیر اخلاقی نمی‌شود و همین که شخص از روی عناد و لجاجت با خداوند کاری را انجام ندهد کافی است که فعل او تا حدی اخلاقی باشد. اگرچه نوع فعل و میزان خلوص نیت از نظر کارآمدی در کمال روحی فرد متفاوت خواهد بود. این در حالی است که در مکاتب اخلاقی دیگر به محض اینکه از معیار تعیین شده برای اخلاقی بودن فعل خارج شویم فعل با هر شرایطی بی‌ارزش و غیر اخلاقی خواهد بود. بنابراین گستره افعال اخلاقی محدود و

49 محمد تقی مصباح، اخلاق در قرآن، ج 1، ص 117.

منحصر می شود و بسیاری از افعال انسان بیهوده تلقی می گردد. این ویژگی به تفصیل در فصول آتی تبیین خواهد شد.

3- رابطه اخلاق و تربیت

اگر تربیت به معنای عام و مصطلح آن مد نظر باشد، به معنای عمل و فرایندی است که در زندگی انسانها جریان دارد. این مفهوم بر همه اجزای این فرایند (هدف، روش، موضوع، محتوا و محیط تربیتی) اطلاق میشود. به علاوه نسبت به همه ساحت‌های انسان (اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، ذهنی، بدنی و معنوی) شمول دارد. برخلاف تعریفی که از اخلاق ارائه کردیم که مفهومی بسیط است و بر صفات نفسانی انسان و رفتارهای ناشی از آن دلالت دارد. با توجه به این تصویر وسیع و گسترده از تربیت، می توان رابطه آن را با اخلاق همان رابطه مشهور نام برد. مثل اینکه اخلاق نتیجه تربیت است و یا اخلاق مترادف تربیت است. شهید مطهری اخلاق را همان تربیت اخلاقی می داند که به معنی کسب نوعی خلق و ملکه نفسانی می باشد و تربیت را هم به پرورش و ساختن تعریف می کند و تفاوت عمده این دو واژه را در این می داند که در اخلاق قداستی خوابیده که آن را مخصوص انسان می کند درحالیکه در تربیت چنین قداستی وجود ندارد لذا تربیت سگ هم تربیت است.^{۵۰}

آنچه بیان شد نوعی رابطه عام اخلاق و تربیت بود اما می توان به صورت تخصصی تر ارتباط دانشهای تحت عنوان اخلاق و دانشهای تحت عنوان تعلیم و تربیت را نیز بررسی کرد که البته نتیجه این بحث به عنوان مقدمه برای مباحث آتی ما مفید خواهد بود.

در تبیین علم اخلاق به دانشهایی چون اخلاق توصیفی، اخلاق هنجاری، فرااخلاق و تربیت اخلاقی اشاره شد. از میان این چهار قسم دانش اخلاق سه قسم اخیر یعنی اخلاق هنجاری، فرااخلاق و تربیت اخلاقی در ارتباط و تأثیر گذاری در تعلیم و تربیت نقش بسزایی

50 مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، صدرا، 1365، ص 78.

دارند. از طرفی دانش تعلیم و تربیت، دارای ارکان و عناصر تشکیل دهنده‌ای است که شایسته است تأثیر دانش‌های اخلاق در تک تک این ارکان بررسی گردد. در بخش مفهوم‌شناسی دانش تعلیم و تربیت عملی اجتماعی معرفی شد که لایه زیرین آن علوم تربیتی و زیربنای این علوم، را تعلیم و تربیت فلسفی می‌سازد.^{۵۱}

فلسفه تعلیم و تربیت	علوم تربیتی	عمل تربیتی
(مبانی، اهداف، اصول)	(مربی، متربی، محتوای تربیتی)	(روشهای تربیتی)

بنابراین از ارکان تعلیم و تربیت طبق این بیان مبانی، اهداف، اصول، روشها، محتوا و مواد تربیتی، مربی و متربی را می‌توان نام برد. مبانی، اهداف و اصول تربیت در تعلیم و تربیت فلسفی یا فلسفه تعلیم و تربیت مطرح می‌شوند. جایگاه نظریات تربیتی ارائه و نقد می‌گردد. مربی، متربی و مواد تربیتی از عناصر اصلی علوم تربیتی‌اند و روشها در عمل تربیتی مطرح می‌گردند. تأثیر اخلاق در ارکان مربی و مواد تعلیم و تربیت، روشها و مبانی کاملاً ملحوظ و نافذ است.^{۵۲}

__ رابطه اخلاق عملی و تعلیم و تربیت: علم اخلاق در قالب هنجاری آن (بخش دوم اخلاق هنجاری که مربوط به اخلاق عملی است) ارائه‌کننده فضایل و رذایل اخلاقی است، هدف غایی زندگی خوب را ترسیم می‌کند، آنچه شایسته گفتار و کردار است به ما نشان می‌دهد، تغییراتی را که در حکم اخلاق در نتیجه تحولات اجتماعی پیدا می‌شود بررسی می‌کند و مجموعه این مسائل مبنایی برای عمل درست فراهم می‌کند. ارزشهای ارائه شده در این قسم اخلاق هنجاری بخشی از محتوا و برنامه‌ای است که مربی در عمل تربیت به آن نیاز دارد. ارزشهایی که مربی باید آنها را آموزش و در تربیت مدنظر قرار دهد و خود نیز واجد این

⁵¹ مجله حوزه و دانشگاه، گفت و گو با علی محمد کاردان، ش 28، پاییز 1380، ص 7.

⁵² عبد الله نصری، تکاپوگر اندیشه‌ها، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1376، ص 260.

ارزشهای اخلاقی باشد. پس اولین ارتباطی که می توان برای اخلاق و تربیت نام برد تأمین بخشی از محتوای آموزشی و تربیتی مربی است که در اخلاق هنجاری (عملی) ارائه می گردد.

__ رابطه تربیت اخلاقی و تعلیم و تربیت: تربیت اخلاقی که کیفیت اکتساب فضایل و دفع رذایل اخلاقی را بیان می کند، می تواند راهنمای روشهای تربیتی در عمل تربیتی باشد. تربیت اخلاقی یکی از حیطه ها و ساحت های تربیت به شمار می آید. از این رو تربیت اقسام فراوانی دارد و از آن جمله: تربیت بدنی، تربیت عقلانی، تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت جنسی، تربیت عاطفی، تربیت عاطفیف تربیت عرفانی، تربیت مدنی، تربیت اجتماعی و⁵³

__ رابطه فلسفه اخلاق و تعلیم و تربیت: فلسفه اخلاق در بخش فرااخلاق به پرسشهایی مانند ارزشها ذهنی یا عینی اند؟ ثابتند یا متغیر؟ سلسله مراتب دارند یا خیر؟ پاسخ می گوید. این پاسخها دیدگاه ارزش شناختی و به عبارتی فرااخلاقی نظریه اخلاقی را تأمین می کند که تأثیر مستقیم در مبانی ارزش شناختی تعلیم و تربیت دارد. نقش بسزای فرااخلاق در مبانی تعلیم و تربیت در واقع در کل نظام تعلیم و تربیت خود را نشان می دهد چرا که اصول تعلیم و تربیت، برگرفته و تابعی از مبانی اند. به گفته برخی از صاحب نظران، تعلیم و تربیت طی قرون متمادی تنها بر ملاحظات فلسفی و اخلاقی مبتنی بوده، امروزه نیز به رغم تسلط دانش بشر در زمینه های زیست شناسی، جامعه شناسی و روانشناسی بر تعلیم و تربیت، باز این نکته آشکارتر شده که علم و دستاورد های فنی آن نه تنها کافی نیست بلکه همچنان باید ملاحظات اخلاقی و فلسفی مهم اصلی را در تعلیم و تربیت بر عهده داشت زیرا بررسی اهداف و غایات تربیت نه در صلاحیت علم و نه در حد تکنیک بلکه فقط در صلاحیت فلسفه و اخلاق است. ملاحظات اخلاقی یکی از مبانی تربیت به شمار می آید که با توجه به آنها تربیت شکل می پذیرد بدین ترتیب می توان جایگاه فرایند تربیت را در ارتباط با فرایند اخلاق به دست آورد و تفاوت این دو را واکاوید.⁵⁴

53 محمد بهشتی، تربیت اخلاق تربیت اخلاقی، مجله معارف، ش 10، بهمن 81.

54 همان.

فلسفه اخلاق در بخش اخلاق هنجاری نیز که به بیان معیارهای درستی و نادرستی فعل اخلاقی می‌پردازد در مبانی فلسفی تربیت نقش آفرین است. برای هرکس که در تربیت بحث می‌کند لازم است که در این مطلب تحقیق نماید تا ریشه و مبنای فعل اخلاقی انسان را به دست آورد. چرا که در شیوه ارتباط معلم و شاگرد، تعیین ارزشهای مقبول و تصمیم‌گیریهای تربیتی و... نقش اساسی ایفا میکند. بنابراین دانشهای اخلاقی به ویژه فلسفه اخلاق به عنوان مبنا، محتوا و انتخاب الگوها و روشها در تعلیم و تربیت نقش اساسی دارند.⁵⁵

در نتیجه از آنجا که جایگاه نظریات اخلاقی در اخلاق هنجاری است و نظریه قرب الهی یک نظریه اخلاقی است ما در استنتاج دلالت‌های تربیتی نظریه قرب الهی، به دنبال تأثیر فلسفه اخلاق قسمت اخلاق هنجاری که به بیان معیارهای فعل اخلاقی می‌پردازد در تعلیم و تربیت فلسفی هستیم. از این روی مبانی، اصول و اهداف تربیتی نظریه قرب الهی را استخراج می‌کنیم.

⁵⁵ محمود نودری، رابطه اخلاق و تربیت چگونه است، مجله حوزه و دانشگاه، ش 5، زمستان 1374، ص 100